زبان عربی

**** عَیِّن الأنسب فی الجواب للترجمة أو المفهوم من أو إلی العربیة:**

۱- «لا علمَ لنا إلّا ما علّمتَنا»:

۱) هیچ علمی نداریم، جز آن‌چه به ما یاد دادی!
۲) برای ما هیچ دانشی نیست، جز آن‌چه از تو یاد گرفته‌ایم!
۳) هیچ علمی نداریم، مگر این‌که به ما بیاموزی!
۴) ما علمی نداریم، جز آن‌چه به ما آموزش داده‌ای!

۲- «کانت القرابین تقدَّم ماضیاً لکسب رضا الآلهة و هذه کانت من الشعائر الخرافیّة لتجنّب شرّها!»:

۱) قربانیانی در گذشته تقدیم می‌شدند تا خشنودی خدایان خود را کسب کنند، و این یکی از مراسم خرافاتی بود تا از شر آن‌ها دور شوند!
۲) برای به‌دست آوردن رضایت خدایان، قربانیان تقدیم می‌شدند و این یک مراسم خرافاتی، برای اجتناب از شر آن‌ها بوده است!
۳) در گذشته، قربانی‌ها برای کسب رضایت خدایان تقدیم می‌شدند و این از مراسم خرافاتی برای دوری از شر آن‌ها بود!
۴) تقدیم قربانیان در گذشته، برای به‌دست آوردن رضایت خدایان و از مراسم خرافاتی برای دوری از شر آن‌ها بوده است!

۳- «حینما أشاهِدُ الحجّاج یذهبونَ إلی الحجِّ و هُم مُشتاقونَ تَمُرُّ فی نَفسی ذِکریاتی متحسّراً!»:

۱) وقتی می‌بینم که حاجیان مشتاقانه به سفر حج می‌روند خاطرات را درونم با حسرت مرور می‌کنم!
۲) هنگامی‌که می‌دیدم حج‌گزاران به حج می‌رفتند، درحالی‌که آن‌ها مشتاق بودند خاطرات با حسرت در درونم گذر می‌کردند!
۳) زمانی‌که حج‌گزاران را مشاهده می‌کردم که به حج می‌روند و آن‌ها مشتاق هستند در درونم خاطراتم با حسرت مرور می‌شوند!
۴) وقتی که حاجیان را می‌بینم که به حج می‌روند، درحالی‌که آن‌ها مشتاق هستند خاطراتم با حسرت در درون من گذر می‌کنند!

۴- «علی الحاکم ألّا یکون فضّاً فإنّ شعبه ینفضّون من حوله فیصبح وحیداً!»:

۱) بر حاکم است که تندخو نباشد تا ملت خود را از اطرافش پراکنده نسازد و تنها نشود!
۲) بر حاکم واجب است که تندخو نباشد، زیرا ملت او از اطراف او پراکنده می‌شوند و او را تنها می‌گذارند!
۳) حاکم نباید تندخو باشد، چرا که ملتش از اطراف او پراکنده می‌شوند و تنها می‌شود!
۴) حاکم نباید تندخویی کند، چه بسا ملتش را از اطرافش پراکنده سازد پس تنها می‌شود!

۵- «لن یستطیع معرفة ربّه العظیم إلّا الّذی قام بمعرفة نفسه فی البدایة»:

۱) کسی نتوانسته است پروردگار بزرگش را بشناسد به جز آنکه ابتدا به شناخت خویش اقدام کرد!
۲) فقط کسی می تواند خدای بزرگ خویش را بشناسد که در ابتدا برای شناخت خود اقدام بکند!
۳) تنها کسی قادر به شناخت پروردگار بزرگ است که ابتدا به شناخت خود اقدام کرده است!
۴) شناختن پروردگار بزرگ خویش را نخواهد توانست مگر کسی که در آغاز به شناخت خودش اقدام کرد!

۶- «بُعثَ الأنبیاء الإلهیّونَ لیعرّفوا النّاس علی الدّین الإسلامیّ حتّی یهتدوا إلی السّبیل الصّحیح!»:

۱) انبیاء الهی مبعوث شدند تا مردم با دین اسلام آشنا شوند تا آن‌ها را به راه درست هدایت کنند!
۲) پیامبران الهی مبعوث شدند تا مردم را با دین اسلام آشنا کنند تا آن‌ها به راه صحیح رهنمون شوند!
۳) مبعوث شدن پیامبران خدا برای معرفی دین اسلام به مردم و هدایت آن‌ها به راه درست بوده است!
۴) پیامبران الهی فرستاده شدند تا دین اسلام را به مردم معرفی کنند و به راه صحیح هدایت کنند!

۷- «لبعض الأسماک خاصّةً أسماک الزّینة هواةٌ معجَبون بها لکن قد تصعبُ علیهم تغذیتها، لأنّها تأکل الفرائس حیّةً!»:

۱) بعضی از ماهی‌های زینتی، طرفداران خاص خود را دارند که شیفته آن‌ها می‌باشند، اما تغذیه آن‌ها برایشان سخت است، زیرا طعمه‌های زنده را می‌خورند!
۲) برخی از ماهیان به ویژه ماهی‌های زینتی، طرفدارانی دارند که شیفته آن‌ها هستند، اما گاهی غذا دادن به آن‌ها برایشان دشوار می‌شود، زیرا طعمه‌ها را زنده می‌خورند!
۳) برای بعضی از ماهیان، مخصوصاً ماهی‌های زینتی طرفدارانی مخصوص به خود است، اما چون ماهی‌ها شکارهای زنده را می‌خورند، غذا دادن به آن‌ها دشوار است!
۴) بعضی ماهی‌ها، مخصوصاً ماهیان زینتی طرفدارانشان شیفته آن‌ها هستند، اما غذا دادن به آن‌ها سخت می‌گردد، چون که گاهی طعمه‌های زنده می‌خورند!

۸- عَیِّن الخطأ:

۱) لا یُمکن أن تبلغ تجربةُ الفرد الواحد أکثر من عشرات السّنین!: امکان ندارد که تجربه یک نفر بیش‌تر از ده‌ها سال برسد!
۲) وَلْنَذْکرْ مثلاً نبیّنا إبراهیم الذی حاولَ لهدایة قومِه!: و باید مثلاً پیامبرمان ابراهیم (ع) را یاد کنیم که برای هدایت قومش تلاش کرد!
۳) عندَما رجعَ النّاس إلی المعبدِ وَجَدوا أصنامَهُم مُکسَّرَةً!: هنگامی‌که مردم به معبد بازگشتند، بت‌های شکسته خود را یافتند!
۴) إن تَتَصَفّح هذا الکتاب یؤثّر فی نفسک تأثیراً عمیقاً!: اگر این کتاب را ورق بزنی در تو تأثیر عمیقی می‌گذارد!

۹- عَیِّن الصّحیح:

۱) تدلّنا هذه النّقوش علی أنّ النّاس کانت لهم شعائر خرافیّة: این نقش و نگاره‌ها، دلالت بر این دارد که مردم مراسم خرافاتی داشته‌اند!
۲) هناک بعض النّاس یفتخرون بأنسابهم جاهلین: برخی از مردم در آن‌جا، درحالی‌که نادان هستند، به نسب خویش افتخار می‌کنند!
۳) لیتک تغتنم الفرصة، فإضاعة الفرصة غصّة: ای کاش فرصت را غنیمت می‌شمردی، پس از دست دادن فرصت اندوه است!
۴) لا إنسانَ أکثرَ إیماناً من الأولیاء الإلهیّین، لیتنا نتعلّم سیرتهم: هیچ انسانی باایمان‌تر از اولیای الهی نیست، ای کاش راه و روش آن‌ها را بیاموزیم!

۱۰- «وقتی در مسابقه تیم مدرسه ما پیروز شد، تماشاچیان را خوشحال دیدم!»:

۱) عندما انتصر فریقنا فی المباراة المدرسیّة شاهدت المتفرّجین المسرورین!

۲) حینما غُلب فی المباراة فریق مدرستنا شاهَدتُ المتفرّجین فَرِحین!

۳) عندما فاز فی المباراة فریق مدرستنا رأیت المتفرّجین فرحین!

۴) إذا حَصل فریقنا فی المباراة علی النّصر رأیت المتفرّجین المسرورین!

**** اقرأ النّصّ التّالی ثمّ أجب عن الأسئلة بما یناسب النّصّ:**

«لکلّ الشّعوب صفات و مواصفات لا نجدها فی غیرها من الشّعوب کما أنّ النّاس کلّهم مختلفون فی صفاتهم. البعض منهم عندما یصابون بمشکلة أو مرضٍ، یقاومون دون أن یستسلموا لکنّ البعض منهم یتغیّرون بسرعة و یشعرون بالضّعف و الهون فی المواجهة أمام المشاکل. النّاس فی هذه الحالة کالمعادن، و منها کالذّهب ثمین (باارزش) و منها الرّخیص، فالمعادن النّفیسة لا تتغیّر بسرعة عندما تتعرّض للرّطوبة أو الحرارة لکنّ النّوع الرّخیص منها، تتبدّل عندما تتعرّض للرّطوبة. و نحن نستطیع فی هذه الحالات أن نعرف قیمة الأشخاص، إن یکونوا صابرین دون أن یصابوا بالضّعف فهم یعدّون کالمعادن الثّمینة لکن عندما یستسلمون لها فلا قیمة لها. إذن فلا بدّ أن نعرف، لا یتقدّم شعبٌ من بین شعوب الأرض، إلّا أن یحاولوا و یسعوا دؤوبین (با پشتکار) للوصول إلی أهدافهم.»

۱۱- عَیِّن الصحیح حسب النصّ:

۱) المعادنُ النفیسةُ کالأصدقاء المُتبدّلون!

۲) المعادنُ الرخیصة لاتتغیّر فی طول الزمن!

۳) الإنسانُ المُستسلم لاتُقدَّر قیمتُه!

۴) الاستسلامُ لِلتَّقلُّبات لیس لِلصّابرین!

۱۲- عَیِّن ما لایناسب النص:

۱) دواء الدَّهرِ الصبرُ علیه!

۲) الصَّبرُ حیلةُ مَن لا حیلةَ لَه!

۳) إنّ الصَّبرَ یأتی علی قَدرِ المُصیبة!

۴) الصَبرُ لایأتی إلّا عند المذلّة!

۱۳- عَیِّن الخطأ:

۱) صفاتُ الناسِ الرخیصة لَیسَت لِلصّابرین!

۲) تختلف قیمةُ الناس أمامَ الصِّفاتِ المُختلفة!

۳) یُعرفُ الناسُ مِن تَقَلُّباتهم المُختلفة!

۴) الرُّطوبةُ و الحَرارةُ مِن صفاتِ المعادنِ الرخیصة!

۱۴- «متی نستطیع أن نعرف الناس؟» عندما یَتعرَّضُون ..... عَیِّن الخطأ حسب النصّ:

۱) لِلعواصف و التَّقلُّباتِ الجویّة!

۲) المصائب و ما یقتضی الاستحکام!

۳) لِما یُدخله فی ما یَهربون الناس منه!

۴) لِما لیس علیه أن یستسلم!

**** عَیِّن الخطأ فی الإعراب و التّحلیل الصّرفی:**

۱۵- «یتغیّرون»:

۱) من الأفعال المضارعة ـ له حرفان زائدان ـ لا یأخذ المفعول / فعل و له فاعل

۲) مضارعه «غیَّروا» ـ من باب تفعّل ـ مادّته «غ ی ر» / فعل و مع فاعله جملة فعلیّة

۳) للغائبین ـ مزید ثلاثیٌّ «مصدره: تغیّر» علی وزن «تفعّل» / فعل و له فاعل

۴) فعلٌ مضارع ـ للغائبین ـ معلوم / فعلٌ و الجملة فعلیّة

۱۶- «تتعرّض»:

۱) فعل مضارع ـ للمخاطب ـ معلوم / فعل و له فاعل

۲) مزید ثلاثیّ ـ مصدره «تعرّض» ـ لا یأخذ المفعول / مع فاعله جملة فعلیّة

۳) ماضیه «تعرّضت» ـ له حرفان زائدان ـ مادّته «ع ر ض» / فعلٌ و الجملة فعلیّة

۴) من الأفعال المضارعة ـ للغائبة ـ معلوم/ فعلٌ و الجملة فعلیّة

۱۷- «دؤوبین»:

۱) جمع سالم للمذکّر ـ نکرة / حال

۲) له ثلاثة حروف أصلیّة ـ نکرة / حال

۳) جمع تکسیر ـ نکرة / حال

۴) جمع ـ مذکّر ـ علی وزن «فعول» / حال

۱۸- عَیِّن الخطأ فی ضبط حرکات الکلمات:

۱) إنَّ اللهَ لَذو فَضلٍ علَی النّاسِ و لکِنَّ أکثرَ النّاسِ لا یَشکُرونَ!

۲) إنّ اللهَ یُحِبّ الّذینَ یُقاتَلونَ فی سَبیلِهِ کَأنَّهُم بُنیانٌ مُرصوصٌ!

۳) قیلَ ادخُلِ الجنّةَ قالَ یا لَیتَ قَومی یَعلَمونَ بِما غَفَرَ لی ربّی!

۴) اعلموا أنّ هُواةَ أسماکِ الزّینةِ مُعجَبونَ بِهذه السّمکة العَجیبَة!

**** عَیِّن المناسب للجواب عن الأسئلة التّالیة رقم:**

۱۹- عَیِّن حرفاً مِن الحروف المشبّهة بالفعل جاء للتّشبیه:

۱) المؤمن کالجبل الرّاسخ لا تُحرّکهُ العَواصِف!

۲) قد شُبّه العالم بِمصباح یُنیر المُجتمع بِعلمه النّافع!

۳) کَأنّ الکتب أطعمة تتغذّی مِنها الأفکار السّلیمة!

۴) لعلّ شباب مُجتمعنا یلتزمونَ باحترام الأفاضل!

۲۰- عَيِّن الحال جملةً:

۱) إنّ أحبّتی يُساعدون الضّعفاء و لا يكذبون على الأخرين!
۲) مَن يخدم الفقراء دون منّة فهو يُعدّ مِن الصّالحين عند الله!
۳) نحنُ مُستعينون بربّنا فی الحياة و صابرون عند المَصائب!
۴) المعلّم المُشفق يتكلّم عن الصّراط المستقيم و هو يرشدنا إليه!

۲۱- عَيِّن الخطأ عَن نوع «لا»:

۱) لا سَعادة لإنسان ينسى ذكر ربّه المُقتَدر: «النّافية للجنس»
۲) لا يضحكُ المرء العاقل بِصوتٍ عالٍ: «النافية»
۳) عليكَ ألّا تَيأس مِن رحمة الله وَ فَضلِه: «النّاهية»
۴) لا شكّ للمؤمن الّذی يتوكّل على الله دائماً: «النّافية للجنس»

۲۲- عيّن الواو حاليّة:

۱) أنتُم تظلمون الآخرين بعملكم والله، ترتكبون ذنباً!
۲) لا ظالمَ إلّا و أنّه يرى يوم جزاء عمله، هذا وعد الله!
۳) أجابَت صديقتی عن سوالٍ معلّمتنا و هی أخذَت درجة!
۴) رأيتُ أمس فی المصنعِ العمّال و الرؤساءَ النّشيطينَ!

۲۳- عَيِّن ما فيه نفيٌ عن الشّیء نَفياً كاملاً:

۱) عليک ألّا تهنَ فی أداء فرائض يتوقّع الله مِن عباده الالتزام بها!
۲) هَل تُساعد هذا الرّجل؟ لا هو مُتكبّر يُعامل الآخرين بالخشونة!
۳) أخی مِن المتوكّلين على الله و هو لا يحزن بعد الوقوع فی المَصائب!
۴) انفجرت إحدی إطارات سيّارتی الغالية و لا إطار إحياطیّ عندی!

۲۴- عَيِّن عبارة ما جاء فيها الحال:

۱) دخل الأعداء الكافرونَ هذه البلدان العربيّة غاصبينَ!
۲) وقف الشّباب المؤمنون لِأداء صلاة الفجر خاشِعين!
۳) علیّ مِن أصدقائی الأوفياء و هو يشرب الشّای بارداً!
۴) شاهدت فی وجه أختی العزيزة فرَحاً فتأكدّت من نجاحها!

۲۵- عيّن الصّحيح لصياغة أسلوب الحال جملة: «شاهدتُ ..... فی المكتبةِ و ..... بقراءة دروسهم.»

۱) طالِبَينِ ـ مَشغولينَ
۲) الطلّابَ ـ هُم مَشغولينَ
۳) الطالِبَينِ ـ مَشغولينَ
۴) الطلّابَ ـ هُم مشغولون